

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)
دوره ۱۱، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۱۷ تا ۲۴۴
تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۰۶، تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۱۰
تحلیل جایگاه زنان با تکیه بر دو اثر سرگذشت ندیمه و سووشون
دکتر فاطمه محسنی^۱



چکیده:

آثار ادبی، یکی از ابزارهای درک جایگاه و نقش زنان در جامعه است. از طریق آثار ادبی می‌توان به اوضاع و شرایط اجتماعی واقف شد که فراتر از خوانش رسمی و رایج هر دوره‌ای است. خصوصاً اگر این آثار متعلق به دو جامعه‌ی متفاوت با دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های متمایز از هم باشد. پژوهش حاضر بر مطالعه دو اثر ادبی «ندیمه» مارگارت اتوود و «سووشون» سیمین دانشور متمرکز شده است تا ضمن بازنمایی جایگاه و نقش زنان در هر دو اثر، تفاوت‌ها و تشابه‌های هر دو نویسنده را به عنوان نمایندگان فرهنگ غرب و شرق واکاوی نماید. در زمینه حقوق، وظایف و مشکلات زنان هر دو مولف مشترکات فراوانی دارند، اما در عواملی چون عدم رعایت حقوق زنان و نقش ساختارهای فکری و فرهنگی در ایفای وظایف و استیفا حقوق زنان، تفاوت‌های مشهودی به چشم می‌خورد چنانکه نگاه جهانی‌تر و عام‌تر جامعه‌ی غربی در تقابل با نگاه محدودتر و سنتی‌تر جامعه‌ی شرقی به زن قرار می‌گیرد. نگارنده در نوشتار حاضر ضمن بازخوانی آثار ندیمه و سووشون، اهتمام دارد به روش توصیفی-تحلیلی (کتابخانه‌ای) ضمن پرداختن به موضوع جایگاه زن، تمایزها و علل آن را، در این دو اثر واکاوی می‌نماید.

واژگان کلیدی: دانشور، اتوود، ندیمه، سووشون، زن.

^۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.

مقدمه:

حضور زنان در داستان‌ها و رمان‌ها از یک سو و نقش زنان نویسنده داستان از سوی دیگر، فضای داستان‌نویسی را در جهان و ایران دستخوش تغییرات فراوانی کرده که منجر به خلق آثار زن محور متعددی گردیده است. جایگاه ویژه زنان در ادبیات معاصر و اقدام آنان به خلق آثار متنوع سبب تغییر تصویرهای کلیشه‌ای از زن شده است. چهره‌های عینی، واقعی و ملموسی که خالق آنها زنانند، آمیخته با دغدغه‌ها، انگیزه‌ها، اشتیاق‌ها و دردهایی هستند که درک آن چهره‌ها نه تنها دور از دسترس احساس نیست بلکه برانگیزاننده نوعی از احساس مؤانست و همراهی است.

آثار زن محور چه به وسیله زنان آفریده شده باشند و چه به وسیله مردان، عرصه و حوزه مناسبی جهت نظریه‌پردازی و تئوری سازی در زمینه حقوق، وظایف و مشکلات زنان محسوب می‌شوند، اما فارغ از همه این نظریه‌ها، زنان مؤلف و زنان خواننده آثار زن محور، در رابطه با این گونه از ادبیات، در طول زمان علاوه بر بیان دغدغه‌ها، آلام و اشتیاق‌هایشان به سوی گونه‌ای از خودشناسی در حرکتند. آنان از خاطرات ناگوار خویش که هویت آنها را تهدید می‌کند، تجربه‌های جدیدی می‌سازند که آینده همه زنان را بهبود می‌بخشد.

ات‌وود و دانشور در زمره زنانی هستند که برای تغییر نگرش جامعه نسبت به توانایی‌های جنس زن، می‌نویسند و از همه امکانات جامعه خویش چون مذهب، فرهنگ، جامعه، سیاست و ادبیات کمک می‌گیرند تا علاوه بر بالیدن زنان، غیر زنان را هم وادار به پذیرش هویت انسانی آنها کنند. ات‌وود متعلق به هیچ گروه یا مکتبی نیست. زنان در آثار وی توانمند و باهوشند، آنها با قدرتی که به تدریج کسب می‌کنند، ماندگار می‌شوند، با زبان خویش قدرت می‌گیرند و به یاغی‌گری هدف‌دار مبدل می‌گردند. آنها با وجود داشتن نقش منفی یه صورت قهرمانی چند بعدی ظاهر می‌شوند، در حالی که در آثار دانشور، زنان زنده و ملموس‌اند و از قید کلیشه ادبیات مردسالارانه‌ی «زن اثیری» و «لکاته» رها شده‌اند. دغدغه دانشور پرداختن به ذهنیت زن ایرانی در چهارچوب فرهنگ ایرانی و اسلامی است اگرچه باور دارد که مرد سالاری در ذهن و زبان جامعه ایرانی نفوذ کرده است و کثرت آثار زن محور دانشور و کثرت پژوهش‌های زن محور در حول آثار وی، نشانه اهمیت موضوع زن در آثار اوست.

پیشینه تحقیق

به استناد مقاله «بررسی پژوهش‌های انجام‌شده بر روی آثار سیمین دانشور» (پریوش میرزائیان، نرگس باقری) چاپ شده در فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، (سال سوم، شماره‌ی اول، پاییز ۹۳) آثار دانشور بیشترین میزان پژوهش زن محور را در میان دیگر نویسندگان به خود اختصاص داده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. زنی با عطر گل‌های مریم، منصور اوجی، مقاله.
۲. چهار زن، مریم حسین زاده، مقاله.
۳. نثری روان در خدمت کلیشه‌های زنانگی، نسترن موسوی، مقاله.
۴. سووشون و تجسم موشکافانه و عمیق دانشور از شخصیت زن، نسیم آصفی و نگین خاکی، مقاله.

۵. نشانه‌های فمینیسم در آثار دانشور، کاووس حسن‌لی، مقاله.
۶. تغییر و بررسی آثار دانشور با تکیه بر فمینیسم، نسرين فلاح، پایان‌نامه.
۷. تلاش زن امروزی برای احراز هویت، معصومه شیرانی بعدآبادی، پایان‌نامه.
۸. جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور، هوشنگ گلشیری، کتاب.
۹. درنگی بر سرگردانی‌های شهرزاد پسامدرن، جواد اسحاقیان، کتاب..

نویسنده مقاله فوق به سی‌وسه اثر اشاره می‌نماید و به تفصیل به شرح و بسط این آثار می‌پردازد که جهت پرهیز از اطاله کلام، از تکرار آنها خودداری می‌شود. در زمینه‌ی دیدگاه ات‌وود در مورد زنان کتابی تحت عنوان «Feminism and fiction» اثر «Fiona Tolan» به چاپ رسیده است که به فارسی ترجمه نشده است.

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش کتابخانه‌ای و از نوع پژوهش کیفی است. در این پژوهش می‌کوشیم تا با معرفی ادبیات زن محور و تاریخچه آن، به بررسی جایگاه زن در یکی از آثار ات‌وود تحت عنوان سرگذشت ندیمه (ر.ک: قصه کلفت، ۱۹۸۵) با سووشون و برخی دیگر از آثار سیمین دانشور پردازیم. مبنای نظری و عملی ما در این پژوهش مبتنی بر مکتب آمریکایی

متنوع تری را انجام دهند.» (لگیت، ۱۳۹۱: ۴۹)

«در این دوره کارخانه و کار اقتصادی از هم قابل تفکیک نبود و کلیه اعضای خانواده در اقتصاد خانواده با هم همکاری داشتند.» (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۱۵) زنان به سبب نقش مهمی که در فرآیند اقتصادی خانواده داشتند «اغلب کار حسابرسی و اداره کسب و کار را برعهده داشتند.» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۸۸) با پایان یافتن سلطه کلیسا، فضا برای احقاق حقوق زنان بهبود یافت. جنبش اومانیسم یا اصالت انسان، عمده ترین درون مایه فکری جنبش رنسانس بود.

«این دوره با نهضت اصلاح دینی همراه بود که نمی توان گفت تأثیری رهایی بخش بر زنان داشته است. در این دوره شاهد از دست رفتن برخی از حقوق اقتصادی و سیاسی هستیم که آنها تحت نظام فئودالی دارا بودند. یعنی، زمانی به زنان بعضاً امتیازاتی مربوط به زمین دار، داده شده بود با تکامل دولت ملی، این حقوق فئودالی به خاطر مفهوم شهروندی که زنان را استثناء می کرد، از بین رفت. روندهای اقتصادی نیز زنان را از عضویت در گروه مستقل یا فرقه‌هایی که قبلاً به واسطه کارآموزی یا دانش قومی آموخته بودند، برکنار کرد. و آنها را به عنوان زن خانه دار، بیشتر به اقتصاد مرد محور وابسته نمود. جریان عمده نهضت اصلاح دینی، تجرد و رهبانیت مسیحی را که تکیه گاه اصلی خدمات مستقل زنان در کلیسای اولیه و قرون وسطی بود، برانداخت.» (عظیمی دخت، ۱۳۸۲: ۱۹۶)

زنان در دوره رنسانس به تدریج از جامعه کنار گذاشته شدند و در سایه مردان جای گرفتند. «گویی رنسانسی برای زنان رخ نداده بود. مقایسه محدودیت آزادی و حق انتخاب اندک زنان، در مقابل وسعت آزاد و حق انتخاب مردان، صحت این مدعا را به اثبات می‌رساند.» (صاحبی، ۱۳۸۹: ۲۳) در قرون وسطی آموزش در محیط تفکیکی و در بیرون از خانه انجام می‌گرفت اما «در قرن ۱۶ با نهضت اصلاحی پروتستان‌ها، مدارس مختلط به صورت محدود تأسیس شد که اساس مدارس قرن نوزدهم گردید.» (طوسی، ۱۳۸۸: ۶۶-۴۷)

کمترین پیامد نهضت رنسانس فروریختن مناسبات اجتماعی و دگرگونی ارزش‌ها و هنجارها بود. «اندیشه‌ها و مکاتب گوناگون سربرآوردند که جهان را به دو گونه تعقلی و غیرتعقلی تقسیم می‌نمودند. گونه تعقلی مبنای رفتار انسانی و گونه غیرتعقلی در برگیرنده دنیای ذهنی، ارزش‌ها اخلاقیات و عواطف بود که جهان ثانوی محسوب می‌شد. مردان به جهان اول و زنان

به جهان ثانی تعلق داشتند.» (موسوی، ۱۳۷۴: ۱۱۴)

اعلامیه حقوق بشر فرانسه، «ابتدا به نام حقوق مردان معروف بود.» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۹۷) «در سال ۱۷۹۳ زنان فرانسه سه سوال اساسی را در مورد حقوق خود، به مجلس تقدیم کردند که با رأی منفی مجلس مواجه شد.» (میشل، ۱۳۷۷: ۷۲). در امریکا، یک جنبش سیاسی در سال ۱۸۴۸، «اولین منشور دفاع از حقوق زنان را اعلام کرد.» (میل، ۱۳۷۷: ۴۳) در پایان قرن نوزدهم دسترسی به دانشگاه برای زنان میسر شد اگرچه با مقاومت مردان مواجه بود.

پس از جنگ جهانی دوم در اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۵ به برابری حقوق زن و مرد تصریح شد و جنبش‌های دفاع از حقوق زنان از جنبشی برابری خواهانه به یک نهضت فکری مبدل شدند و به تدریج تفاوت ماهیتی با نهضت اولیه پیدا کردند و شعار برابری خواهانه، به «زنان بدون مردان و با رفتارهای مردانه» مبدل گردید.

بی عدالتی جنسی، خشونت‌های خانگی، آزار و تجاوز جنسی از عوامل شکل‌گیری حرکت‌های برابری خواهانه در طول تاریخ بوده است. این جنبش‌ها اگرچه در برخی از اصول با هم مشترکند اما در شیوه مبارزه با هم متفاوتند.

در عرصه ادبیات، عصر رنسانس سرآغاز ظهور آثار بزرگ بود. «در آغاز قرن ۱۵ و ۱۶ زنان ترجمه را به نویسندگی ترجیح دادند. زیرا گستاخی کمتری می‌طلبید و مترجم می‌توانست از خود نسبت به عقایدی که در اثر بیان می‌شد، سلب مسئولیت نماید.» (لگیت، ۱۳۹۱: ۱۰۸)

برابری خواهی در ادبیات با زنانه‌نویسی آغاز شد. «آثاری که هستی را مردانه و زنانه می‌دید اما بر ستم‌هایی که بر زنان می‌رفت صحنه می‌گذاشت و مشکلات زنان را نتیجه مناسبات غلط اجتماعی می‌دانست. نگاه زنانه این نویسندگان غالباً حاصل تجربه‌های شخصی آنان بود. در غرب اولین امواج این جنبش در ادبیات در سال ۱۹۲۰ روی داد. بی‌توجهی عمومی به آثار نویسندگان زن باعث شد تا برخی از زنان نویسنده، از نام‌های مردانه استفاده کنند.» (مری ان اونز) آثار خود را به نام «جورج الیوت» به چاپ رساند و مقالات خانم دانشور با نام مستعار «شیرازی بی‌نام» در روزنامه‌ها چاپ شد.» (پاینده، ۱۳۸۱: ۷۲-۸۱)

«دومین حرکت در جامعه ادبی به سال ۱۹۷۰ برمی‌گردد و پس از آن سومین نسل نویسندگان ادبیات داستانی در سال ۱۹۹۰ با به عرصه ادبیات گذاشتند.» (ویرجینیا وولف) با رمان معروفش

به نام «اتاقی برای خود» گرایش‌های هویت طلبانه خود را آشکار ساخت. رمان «جنس دوم» سیمون دوبوار به عنوان بزرگترین و موفق‌ترین اثر در این عرصه، شناخته شد. زنان در حوزه داستان‌های علمی و تخیلی به میدان آمدند و دهه هشتاد تا نود گروه بی‌شماری از نویسندگان زن ظهور کردند.» (پارسی نژاد، ۱۳۸۲: ۳۱-۳۲)

در سال‌های اخیر بسیاری از نویسندگان برابری خواه در یافته‌اند که بر مضامین پدرسالارانه و مباحث پیرامون آن نباید متمرکز شوند، زیرا زنان در این دوره با مسائل مختلفی مواجه‌اند که ریشه در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی سرزمینشان دارد و حل آنها نیازمند اصلاحات اجتماعی و فرهنگی است که نویسندگان و هنرمندان زن و مرد می‌توانند در جهت مهیا کردن فضای مناسب آن اصلاحات گام بردارند.

بحث

فرازی از زندگی ات وود

مارگارت النورات وود در ۱۸ نوامبر ۱۹۳۹ در اتاوا کانادا دیده به جهان گشود. کودکی او در طبیعت بکر کانادا گذشت. مهمترین سرگرمی دوران کودکیش مطالعه کتاب بود. چند سال بعد با تشویق یکی از دوستان مادرش نوشتن را آغاز کرد. وی پس از اتمام تحصیلات عمومی وارد کالج ویکتوریا در دانشگاه تورنتو شد و در سال ۱۹۶۱ با مدرک کارشناسی ادبیات انگلیسی فارغ التحصیل شد. او در دانشگاه‌های مختلف تدریس نمود و در کشورهای متعددی زندگی کرده است. ات وود با گرم گیسون (۱۹۳۴) که همانند او نویسنده است ازدواج کرد و سه فرزند دارد. (ر.ک: هاشمی نسب، ۱۳۸۰: ۶-۷)

نخستین رمان او به نام «زن خوردنی» به گفته خودش یک ضدکمدی است. ات وود در سال ۱۹۶۰ بیشتر به خاطر صدای شاعرانه اش شناخته می‌شد. در سال ۱۹۸۶ قصه ندیمه را منتشر کرد که نشانگر تضادهای فرهنگی میان کانادا و آمریکاست. شالوده اصلی داستان تصویری از جمهوری پیورتین ها و خشک مقدس‌های گیلیاد را ارائه می‌کند که در آینده رخ می‌دهد. این اثر برنده جایزه «آرتورسی کلارک» گردید. (ر.ک: جویس، ۱۳۸۵: ۳۶-۴۱)

برخی از آثار ات وود عبارتند از: زندگی پیش از انسان (۱۹۷۹)، چشم گریه (۱۹۸۸)، عروس

فرییکار (۱۹۹۳)، گریس دیگر (۱۹۹۶)، آدمکش کور (۲۰۰۰) اوریکس و کریک (۲۰۰۳) آثار او به سی زبان زنده دنیا ترجمه شده است. وی در آثارش به موضوعاتی می پردازد که برای انسان امروزی نوعی بحران به حساب می آید. خشونت علیه زنان، معضلات زیست محیطی، طمع های انسانی و... از جمله این موضوعات هستند. غالب آثار او واقع گرایانه است و در برخی از داستان هایش واقعیت های اجتماعی را به تخیل، اسطوره و طنز پیوند می زند.

فرازی از زندگی دانشور

سیمین دانشور در ۸ اردیبهشت ۱۳۰۰ در شیراز- ایران متولد شد و در ۱۸ اسفند ۱۳۹۰ روی در نقاب خاک کشید. پدرش پزشک و مادرش شاعر و هنرمند بود. مادر وی به کودکانش نقاشی می آموخت. سیمین از کودکی با ادبیات و هنر آشنا بود. تحصیلات عمومیش را در مدرسه انگلیسی «مهرآیین» گذراند و در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد در سال ۱۹۴۱ موفق به اخذ لیسانس شد اولین مجموعه داستان کوتاهش را با عنوان «آتش خاموش» در سال ۱۳۲۷ منتشر کرد. در سال ۱۳۲۸ موفق به اخذ دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران گردید. در سال ۱۹۴۹ با جلال آل احمد از نویسندگان بنام آن دوره ازدواج کرد. آنان هیچگاه صاحب فرزندی نشدند.

وی در سال ۱۹۵۱ به آمریکا رفت و دو سال در دانشگاه استفورد مشغول به تحصیل بود. نزد «والاس استنگرد» داستان نویسی و نزد «فیل پریک» نمایشنامه نویسی آموخت. پس از بازگشت از آمریکا رمان «شهری چون بهشت» را نوشت. رمان سوشون (۱۳۴۸) ساریان سرگردان (۱۳۸۰) و جزیره سرگردانی (۱۳۷۲) از دیگر آثار اویند.

دانشور برخی از آثار پیتون، چخوف، سارویان، هارثون، شنیتسلر و برنارد شاد را به فارسی ترجمه نمود. از او آثاری دیگر در زمینه هنر باقی مانده است. دانشور اولین، زن ایرانی بود که داستان نویسی را به صورت حرفه ای دنبال کرد. او برخلاف همسرش اهل سیاست نبود. (ر.ک: دانشور، حیات نو - روزنامه - ۱۳۸۰: ۴)

وی همواره به مشکل هویت و جایگاه زن ایرانی در تغییر و تحولات اجتماعی ایران،

توجه داشت، تلاش زنان را برای خودیابی می ستود و جامعه ای را که زنان را نادیده می گرفت، مورد انتقاد قرار می داد. دانشور به سبب آگاهی از شرایط زنان در ایران تصمیم داشت تا همه توش و توان خود را در راه احقاق حقوق زنان مصروف نماید. او می گوید: «نمی شود زن بود و از زن دفاع نکرد» (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۱۴)

زنان در آثار او دو دسته اند یا مرفه اند یا محروم. در داستان «به کی سلام کنم» به زنانی می پردازد که اگرچه مادرند، باز تنهائیند. در سووشون همگامی زن و شوهری را در مبارزه با خواست های ناروای بیگانگان روایت می کند. در اغلب داستان های او زوایایی از زندگی خودش حضور دارد. زبانش پخته، روان و شفاف است. (ر.ک: میرصادقی، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۱۱۰)

او در زمره نویسندگان رئالیست ایرانی است که نگاهی انتقادی به جامعه پیرامون خود دارد. گاه در برخی از آثار او واقعیت ها با تخیل و اسطوره می آمیزند. (قصه های مک ماهون در سووشون و طوطک در جزیره سرگردانی)

شباهت و تفاوت هایی این دو نویسنده جالب توجه است. هر دو در خانواده ای فرهیخته رشد کرده اند. همسرانی نویسنده داشته اند. به مسائل جامعه و زنان توجه دارند و از سرآمدن جامعه خود محسوب می شدند. سبک آنها در غالب آثارشان گونه ای از رئالیسم انتقادی را تداعی می کند. ردپای تخیل و اسطوره در برخی آثارشان مشهود است. و در پاره ای از داستان هایشان گرایش های پست مدرنیستی دیده می شود. برخی از داستان هایشان اتوبیوگرافی خود آنهاست.

اما ات وود و دانشور در حیطه انتخاب موضوع داستان هایشان باهم متفاوتند. نگاه ات وود به سبب فرصت ها و تجارب و شرایط اجتماعی، وسیع تر و موضوعات داستان هایش متنوع تر است. او در آثارش به مسائل مطرح جهانی چون، محیط زیست، روابط ملل، جنگ با تروریسم، اسلام گرایی، زنان جنگ و غیره ... توجه دارد. موضوع داستان های او زنده تر و خلاقانه تر از دانشور است.

اغلب سوژه های داستان های دانشور به جغرافیا و تاریخ و فرهنگ ایران زمین محدود می شود. انعطاف هنری روح شرقی در شخصیت های آثار وی موج می زند. در آثار دانشور، ساختارمندی اندیشه غربی آثار ات وود، جای خود را به روح عاطفی و احساسات غنی داده

است که گاه موجب سرگذشتگی است.

ساختار داستانی رمان سرگذشت ندیمه

رمان سرگذشت ندیمه، در دورانی نامشخص در آینده و در مکانی نامعلوم (جامعه جلید) رخ می‌دهد. جلید در همسایگی کشور کانادا قرار داد. در این اثر، داستان بر باروری زنان تأکید دارد قدرتی که هم علت اسارت است و هم منبع قدرت. در جامعه جلید تغییراتی رخ می‌دهد. داستان از زبان ندیمه‌ای به نام «أفرد» روایت می‌شود که بخشی از عمر خود را در شرایط قدیم گذرانده و بخش دیگر را در شرایط جدید سپری می‌نماید.

حوادثی چون ترور رئیس جمهور، حمله به کنگره و اعلام حالت اضطراری، سانسور و بستن روزنامه و اعدام مخالفان و دایرکردن پست‌های بازرسی مقدمه را برای قبول شرایط حکومت جدید از طرف مردم فراهم می‌آورد.

به دلایل مختلف جامعه جلید با کاهش زاد و ولد روبروست لذا نقش زنان چشمگیر می‌شود. همه زمینه‌ها جهت وابستگی زنان به مردان فراهم آورده می‌شود. سپس دولت حاکم ازدواج دوم و روابط جنسی آزاد را ممنوع می‌کند و به بهانه عدم صلاحیت اخلاقی، فرزندان برخی خانواده‌ها را مصادره و به زوج‌های بی‌فرزند مرفه که مشتاق تداوم نسل خود هستند، واگذار می‌کند. جامعه جلید برای توجیه قوانین خود، آزادی‌ها و بی‌بند و باری‌ها جامعه در گذشته را نقد می‌نماید.

سخن گفتن با مردان، تنها در معابر ظاهر شدن، آرایش کردن، لباس باز پوشیدن، خواندن و نوشتن، حق مالکیت اقتصادی داشتن شغل و.. برای زنان ممنوع می‌شود. مردان به فرماندهان، فرشتگان، سربازان، مأموران امنیتی و مراقبان تقسیم می‌شوند. تقسیم‌بندی زنان دقیق‌تر است زنان بارور ندیمه نام دارند و لباس قرمز می‌پوشند. همسران فرماندهان که نابارور هستند آبی می‌پوشند. مارتاها یا خدمتکارها لباس سبز می‌پوشند و زنان مردان فقیر که تدبیرگران منزل نامیده می‌شوند لباس راه راه قرمز، آبی و سبز به تن می‌کنند و عمه‌ها که وظیفهٔ تعلیم ندیمه‌ها را به عهده دارند لباس قهوه‌ای می‌پوشند.

زنان خطاکار و نابارور و مسن به مستعمرات فرستاده می‌شوند که به سبب سختی شرایط

خیلی زود در آن جا می‌میرند نکته مهم کتاب باروری است رابطه جنسی ندیمه و زایمان او در حضور همسر فرمانده صورت می‌گیرد که نشانه تسلط او بر اوضاع است و بر روند کار و تولید نظارت دارد. در جامعه جلید ناباروری قطعاً از ناحیه زن است.

مردان جلید به سبب اقتداری که دارند برخلاف نظم جدید حاکم بر جامعه روسپی خانه‌ای به نام «سلیطه خانه» دایر می‌کنند. تا قدرت زنان را بر مردان به نمایش بگذارند. همکاری زنان با مردان در برپایی این ساز و کار چشمگیر است. عمه‌ها و همسران فرماندهان در دوام این شرایط نقش مؤثر می‌دانند.

این رمان هم تأییدی بر نظریه فایراستون و در عین حال رد این نظریه است. از طرفی مردان سلطه خود را بر زنان با توجه به قدرت باروی آنها به بقیه گروه‌های اجتماعی گسترش می‌دهند و از طرف دیگر مردان دارای قدرت سیاسی در جلید هستند لذا زنان نمی‌توانند نظارت بر باز تولید را خود عهده دار شوند. و این سلطه همیشگی است.

در طول رویدادهای داستان، در افراد و گروه‌های کوچک مقاومت‌هایی به صورت سازمان یافته شکل می‌گیرد و فشار حکومت، مقاومت جامعه جلید را بر می‌انگیزد. (ر.ک: اعزازی، تیرماه ۱۳۹۲: کتابخانه دیجیتال صدیقه دولت آبادی)

ساختار داستانی رمان‌های دانشور

شخصیت‌های داستان‌های دانشور غالباً زنان ستم‌دیده و رنج کشیده ایران زمین هستند. برخی از این زنان فاقد هرگونه حقوق فردی و اجتماعی‌اند. قهرمان زن داستان‌ها در جریان حوادث اجتماعی و سیاسی می‌بالند و به بلوغ می‌رسند. آثار دانشور به صورت متعدد است اما در واقع چون اجزاء یک پیکر همدیگر را تکمیل می‌کنند. آنگاه که زری ترس را کنار می‌گذارد و به بلوغ فکری می‌رسد به هستی مبدل می‌شود. حوادث در بلوغ قهرمانان داستان نقش مهمی ایفا می‌کند.

فضای اجتماعی داستان‌های دانشور متمرکز بر دوره‌های مهم تاریخی و اجتماعی ایران است. حوادث سال‌های جنگ جهانی دوم در سووشون، حوادث دوره حکومت پهلوی دوم و اوایل انقلاب و زمان جنگ در جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان بستر داستان‌های مهم دانشورند.

همواره زن، خانواده و مسائل زنان محور داستان‌های اویند. حوادث اجتماعی در کانون زندگی قهرمان‌های داستان‌ها بازتاب می‌یابد. زنان گاه به تعارض و تزلزل دچار می‌آیند و گاه با همسرانشان و دوستانشان گفتمان چالش برانگیزی را پیش می‌گیرند. در ایفای نقش اجتماعیشان باهم رقابت می‌کنند و بر حوادث روزگار خود تأثیر می‌گذارند. چشم انداز آینده، افول و صعود شرایط زنان را در لابلای حوادث داستان‌ها می‌توان دید.

دانشور با آتش خاموش داستان‌نویسی را آغاز کرد. با سووشون اوج گرفت با جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان، صحنه‌های تکراری را در فضای جدید خلق کرد و با کوه سرگردان، سخنانش انجام گرفت.

وی در آثارش گاه چهره‌ای عام‌پسند، گاه رئال و برخی اوقات پست مدرن از خود به نمایش گذاشت. همه آثارش اتوبیوگرافی خود اوست و با نزدیک شدن به پایان زندگیش داستان هایش رنگ تکرار به خود گرفت و از خلاقیت‌های آن کاسته شد، اما آثارش همواره آینه‌ای شفاف و حقیقی از چهره و حضور زن ایرانی است.

تشابه و تفاوت نگاه ات وود با دانشور در موضوع جایگاه زن

برابری خواهی زنان در جوامع غربی بر پایه اصولی چون امانیسم، فردگرایی، نسبیت گرایی اخلاقی، بنیان نهاده شده است. این جریان فکری در راه یافتن به اقلیم‌های دیگر، دستخوش تغییراتی گردیده که این تغییرات تابع فرهنگ، مذهب و آموزه‌های مردم آن سرزمین است.

در غرب جنبش‌های برابری خواهانه زنان، پشتوانه‌های نظری و فکری دارد و همواره با بحث، بررسی و نقد این مبانی در رسانه‌ها و مجامع دانشگاهی امکان تغییر، اصلاح و تعدیل پاره‌ای از این مبانی فراهم می‌آید. این مبانی عموماً با فرهنگ جوامع شرقی و خصوصاً با جوامع خاورمیانه‌ای مطابقت ندارد لذا پیامی که از برابری خواهی زنان در شرق و خاورمیانه به گوش می‌رسد. صدایی تعدیل شده و گاه فاقد مبانی نظری است که بیش از آنکه مبتنی بر مبانی نظری باشد به مصادیق عینی چون، حقوق زن، شکستن سنت‌ها، مقاومت در مقابل نظام مردسالار و نقد مناسبات درونی زنان، می‌پردازد. تشابه‌های اثر سرگذشت ندیمه به عنوان اثری زن محور با آثار دانشور به موارد فوق محصور و محدود می‌شود. اما با مقایسه اثر

سرگذشت ندیمه با برخی از آثار دانشور، می‌توان به اموری چون، انعکاس صدای زنان، حقوق زنان، شکستن سنت‌های محدودکننده زنان، ستیز با نظام مردسالار، نقد مناسبات درونی زنان و بزرگداشت آنان دست یافت که میان دو اثر مشابه است. اگر چه تفاوت دیدگاه‌های این دو مولف در اموری است که به مبانی نظری باز می‌گردد.

انعکاس سرشت زنانه

طبیعت و سرشت زنان در آثار این دو نویسنده انعکاس دارد. میل به دوست داشتن و دوست داشته شدن، میل به آرمیدن در پناهگاهی محکم، میل به تنوع و... گاه این امیال به صورت رفتارهای نامتعارف بروز می‌نماید و هر دو نویسنده بدون پرده پوشی از آن سخن به بیان می‌آورند اما ات وود در انتخاب کلمات صریح‌تر از دانشور است. این تفاوت قابل فهم و تابعی از فرهنگ زبانی این دو محسوب می‌شود.

«آیا می‌توان مرا به خاطر حسرت تنی حقیقی و در آغوش گرفتنش سرزنش کرد؟ بدون آن من جسدی بی روح خواهم بود» اما دانشور برای بیان لذت هم‌آغوشی قهرمان داستان با همسرش از توانایی‌های نهفته در زبان فارسی کمک می‌گیرد. (ر.ک: ات وود، ۱۳۸۲: ۱۵۶)

«به رختخواب که آمد... همه چیز را فراموش کرد در گوشش صدای آرام ریزش آب از آب نمایی می‌آمد که از روی گل‌های سرخ روشن می‌گذشت.» (دانشور، ۱۳۹۰: ۱۹)

زن در هرکجا که زندگی کند و از هر رنگ و نژادی که باشد، زن است با شاخصه‌های زنانه. علاقه به خرید و پرسه زدن در پشت ویتترین مغازه‌ها، (ر.ک: ات وود، ۱۳۸۲: ۲۵۱-۲۵۰) ساختن چیزهای جدید از اشیای به درد نخور (ر.ک: همان، ۱۴-۱۳) حرف‌های بی ارزش هنگام خرید، غیبت کردن، فال گوش ایستادن (همان: ۱۹) و درک غریزی نحوه تأثیرگذاری بر مردان از طریق پوشش و آراستگی ظاهری (همان: ۳۵۸-۳۵۷) از جمله رفتارهای زنانه شایع است.

در سووشون هم نمونه‌هایی از این رفتارهای سرشتی را می‌توان دید. زن دیوانه‌ای که در تیمارستان بستری است و زیر درخت کاج خوابیده و ادعا می‌کند زن خداست با لاله عباسی‌های باغچه گونه و لب‌هایش را قرمز می‌کند و چشم به آسمان می‌دوزد و می‌گوید که خدا منتظر

حکومت جلیاد زنان حق کوتاه کردن و اصلاح مو و صورت ندارند. (ر.ک: ات وود، ۱۳۸۲: ۹۸) زنان حق کار و مالکیت ندارند. آموزش انحصاری و در زمینه‌هایی است که حکومت ضرورت آن را تشخیص می‌دهد. آموزش کمک به زائو، طی مراحل زایمان و زایمان دسته جمعی از جمله آموزش‌های مهم است (ر.ک: همان: ۱۸۹-۱۸۵) در ناباروری همواره زنان متهم هستند. زنانی که از فرماندهان باردار نمی‌شوند یا می‌میرند و یا به مستعمرات فرستاده می‌شوند. اگر زنی تلاش کند که مرد دیگری او را بارور سازد و دو شاهد او را ببینند به اتهام خیانت جنسی اعدام می‌شود. (ر.ک: همان: ۹۴ و ۹۵) در جایی که نیاز به گواهی دادن هست، شهادت یک زن قابل قبول نیست (ر.ک: همان: ۵۳) اقدام به سقط جنین جرم محسوب می‌شود و مجازات مرگ دارد. (ر.ک: همان: ۵۳) زنان در نحوه و رنگ پوشش خود آزاد نیستند. (ر.ک: همان: ۱۶) ازدواج گروهی انجام می‌گیرد، دختران در مراسم ازدواج روبنده سفید به صورت دارند. (ر.ک: همان: ۳۳۱)

ندیمه‌ها پس از به دنیا آوردن بچه‌هایشان، آنها را چند ماهی شیر می‌دهند زیرا همه زنان به اعجاز شیر مادر اعتقاد دارند (ر.ک: همان: ۱۹۱) تولد یک دختر به معنی ایجاد «یک شبکه برای تولید بچه‌های بعدی» است. (ر.ک: همان: ۲۰۵) تولیدمثل در جامعه جلیاد چون تولیدمثل در گروه، وظیفه‌ی یکی است مثل مورچه ملکه‌ای است که کارش تخم گذاری است (ر.ک: همان: ۲۰۵) در حکومت فرماندهان، پیوسته شرایط زنان در گذشته به آنها یادآوری می‌شود. قوانینی که اعلام نشده بودند اما زن‌ها آنها را می‌شناختند. در برابر روی غریبه‌ها باز نکند. در جاده برای کمک به دیگران توقف نکنید، درها را قفل کنید. (ر.ک: همان: ۴۱)

در این جامعه چنین تبلیغ می‌شود که زنان آزادند زیرا مردی به آنها متلک نمی‌گوید و به آنها دست درازی نمی‌کند و برای آنها سوت نمی‌کشد. (ر.ک: همان: ۴۱) فرماندهان در مراسم توبه از زنان می‌خواهند تا با جامه‌های پوشیده خودشان را زینت دهند نه با موی بافته، طلا یا تزئینات دیگر، بلکه همان گونه که نشانه تقوی است با کارهای نیک خود را بیاریند، آنها امید دارند زن‌ها در سکوت و انقیاد کامل یاد بگیرند و هیچ زنی سعی نکند چیزی یاد بدهد. زنان نباید اقتدار و قدرت مردان را از آنان بگیرند. همین که ساکت باشند و در سکوت کافی است. زیرا اول آدم خلق شد و بعد حوا. آدم نبود که فریب خورد، زن بود که فریب خورد و تخطی

در ازدواج و حق انتخاب همسر، فقط دو شخصیت زری و هستی خود می‌توانند همسرانشان را برگزینند. ده‌ها زن در داستان‌های دانشور فاقد هر نوع انتخاب در همسرگزینی هستند.

همانگونه که زنان در سرگذشت ندیمه برای احقاق حقوق خود شبکه نقبا (راه زیرزمینی زنان) را تأسیس می‌کنند. (ر.ک: ات وود، ۱۳۸۲: ۳۷۳) زنان در آثار دانشور برای ارتقاء جایگاه خود مبارزه می‌کنند البته این مساعی پراکنده و فردی است. خانم فتوحی، زنی که در بیمارستان روانی بستری است اولین زنی بوده که چادر آبی کلوش سر کرد و به قول خودش کفن سیاه را کنار گذاشت. هنوز کشف حجاب رسماً اعلام نشده بود که او چادر آبی کلوش را هم کنار گذاشت خودش می‌گفت: «کسی قدرم را ندانست مردها آمادگی برای پذیرفتن زنی مثل مرا نداشتند... شروع کردند به مسخره کردنم، ندیده گرفتیم» (دانشور، ۱۳۹۰: ۱۰۷)

زنان داستان‌های دانشور می‌خواهند سد جنسیت را بشکنند اما در شکستن این سد مراقبند تا آب خانه دهقانی را خراب نکنند یا لانه مرغی را ویران نسازد. (ر.ک: دانشور، ۱۳۷۷: ۲۵۴)

مساعی شخصیت‌های زن داستان‌های دانشور در کسب حقوق خود به سمت و سوی مایل است که حقوق اقشار دیگر را تزییع نماید. ات وود در مورد حقوق زنان در اثر سرگذشت ندیمه قطعاتی از اعتقادات ادیان، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف را باهم تلفیق می‌کند که این آمیختگی در حکومت جلیاد تجلی می‌یابد. وی با توجه به آشنایی با فرهنگ‌های مختلف و مسافرت و تجربه زندگی با مردم مناطق متفاوت همه دشواری‌های فرهنگی و مذهبی را درخصوص زنان بهم می‌آمیزد و چهره‌ای واحد می‌سازد که تخیلی می‌نماید.

ردپای برخی اعتقادات افلاطون را چون نظام اشتراک جنسی با سرپرستی دولت، فداکردن خانواده فردی برای خانواده جمعی و تولید بهترین انسان‌ها توسط نظامیان قدرتمند، در این اثر می‌توان دید. نظام مذهبی پیورترین‌ها، برخی اعتقادات سایر ادیان آسمانی و فرهنگ و سنت‌های شرقی و خاورمیانه‌ای بر شخصیت‌های این داستان سایه افکنده و ذهن نظامند نویسنده غربی، این عناصر متفرق را در یک پیکره مجسم ساخته است. البته نویسنده در تلفیق این عناصر راه گزافه را پیموده چرا که در هیچ دین، فرهنگ و اقلیمی همه این عناصر محدود کننده یک جا جمع نیستند. شاید به همین سبب این اثر برنده جایزه داستان‌های تخیلی گردیده است.

زن‌های آثار دانشور اگرچه از محدودیت‌های نانوشته و ناگفته فراوان در رنج‌اند اما بهانه‌های فراوان برای امیدواری به آینده دارند. نقش مادری و تقدس آن نقش، هیچگاه انکار نمی‌شود و این همان عرصه‌ای است که مردان نه قادرند آن را انکار و نه می‌توانند بدان ورود کنند. البته آنگاه که مردان با همسرانشان اختلاف پیدا می‌کنند، زنان در نگهداری فرزندانشان از حمایت قانونی کمتری بهره‌مندند.

جنسیت و باروری

کارکرد زن در جامعه امروزی با آنچه در گذشته بوده متفاوت است بزرگترین و مهمترین کارکرد زن در گذشته توانایی باروری او بود. این توانایی به سبب مشکلات جامعه در اثر سرگذشت ندیمه به تنها کارکرد او مبدل شده است. چنانکه همه ابعاد زندگی زنان، تحت الشعاع این وظیفه قرار می‌گیرد.

در دعا‌های روز شکرگزاری برای رحم‌های بی‌حاصل و نابارور دعا می‌کنند. (ر.ک: ات وود، ۱۳۸۲: ۳۲۸) آرزوها حول این محور می‌چرخد «خدایا مرا پاک کن، مرا بارور ساز، تنم را رنجور ساز تا شاید بتوانم تولیدمثل کنم.» (همان: ۲۹۲) در جامعه جلیاد رابطه جنسی و باروری یک وظیفه جدی تلقی می‌شود (ر.ک: همان: ۱۴۵) و دیدن خون هر ماهه به معنی شکست است (ر.ک: همان: ۱۱۴) و هویت زنان حول یک کانون مرکزی به شکل گلابی است که در دلش فضای خالی گسترده‌ای هست چون آسمان شب اما نه سیاه که سرخ تیره گون (همان: ۱۱۵) بارداری یک زن چون پرچمی است بر فراز تپه که ثابت می‌کند هنوز می‌توان کاری کرد. (ر.ک: همان: ۴۳)

همین زنانی که به این قوانین و ضوابط بغرنج گردن نهاده‌اند تفاوت رابطه جنسی و عشق را می‌فهمند (ر.ک: همان: ۱۵۶) گاه حسادت می‌ورزند (ر.ک: همان: ۴۴) آگاهانه خود را رحم‌های دو پا، آوندهای مقدس و جام‌های متحرک می‌نامند (ر.ک: همان: ۲۰۷) اما از قدرت جنسی خود آگاهند قدرتی که به رغم منفعلانه بودنش وجود دارد. (ر.ک: همان: ۳۸) نگاه جنسیتی به زنان اختصاص به جامعه جلیاد ندارد. پدر مراد زنان را چون فرماندهان جلیاد می‌نگرد «مگر غیر این است که زن‌ها رحم و تخمدان‌هایشان را به مردها اجاره می‌دهند تا زندگیشان تأمین بشود.» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۰۷)

در این نظام‌ها عقیم بودن صفت برارنده مردان نیست. در سرگذشت ندیمه، عقیم واژه ممنوعه است و چیزی به عنوان مرد عقیم وجود ندارد (ر.ک: ات وود، ۱۳۸۲: ۹۴) و در آثار دانشور اگر مردی اجاق کور باشد زنش سرزنش می‌شود چون این صفت مردان نیست و اختصاص به زنان دارد. (ر.ک: دانشور، ۱۳۴۰: ۷۳؛ ۱۳۷۶: ۹۱)

همه زنان در اطراف و اکناف جهان از نگاه جنسیتی به خود بیزارند. هستی شخصیت دو داستان دانشور، از واژه تمکین متنفر است زیرا این واژه تأکید بر جنسیت زن دارد.

رابطه جنسی در جامعه جلیاد ضرورتی اجتماعی است که پشتوانه عاطفی ندارد، زنان ات وود تشنه عشق‌اند و زنان دانشور خواهان آزادی. آنجا که ندیمه می‌گوید: «هیچ کس از نبود رابطه جنسی نمی‌میرد اما ما از نبود عشق است که می‌میریم.» (ات وود، ۱۳۸۲: ۲۷) زنی در آتش خاموش آزادی را از عشق بیشتر سزاوار پادشاهت می‌داند و می‌گوید: عشق یک نوع قید است که آدمی را مجبور می‌کند که جز به یک نفر نیاندیشد و تمام قوا و استعداد خود را صرف یک موضوع کند، در حالی که آزادی عزیزترین چیزهاست.» (دانشور، ۱۳۲۷: ۱۶-۱۷)

رابطه جنسی در داستان‌های دانشور غالباً در قالب ازدواج معنا می‌یابد مگر برای زنان طبقات فرودست (کلفت‌ها) که به اشکال مختلف مورد تعرض اربابان خود قرار می‌گیرند.

زنان داستان‌های دانشور گاه در ازدواج هم دچار تردید می‌شوند. شیوه ازدواج و دشواری‌های آن در ایجاد تردید نقش مؤثری دارد. زری یک لحظه به این نتیجه می‌رسد که «زندگی زناشویی از اساس کار غلطی است این که یک مرد تمام عمر پایبند یک زن و بچه‌های قد و نیم قد باشد یا به عکس زنی را تا به این حد وابسته و دلبسته یک مرد و چند تا بچه کند که خودش نتواند یک نفس راحت و آزاد بکشد، درست نیست.» (دانشور، ۱۳۹۰: ۱۳۱)

حق تردید مختص زنان نیست مردان هم می‌توانند در ضرورت ازدواج تردید کنند. هستی قهرمان دیگر دانشور گاه می‌گوید: «به اسارت ازدواج راضی نیست.» (دانشور، ۱۳۷۷: ۲۵۴) ازدواج در فرهنگ اجتماعی آثار دانشور با چنان مشکلاتی همراه است. که زنان را به تردید وامی‌دارد هستی از ازدواج سنتی بیزار است (ر.ک: همان: ۱۴) و ازدواج سنتی را نهادی و شکسته می‌داند. (ر.ک: دانشور، ۱۳۸۰: ۴۰) اما آنچه اغلب زنان داستان‌های دانشور را به ازدواج وامی‌دارد، ارتقاء به مقام مادری است که بعد از ازدواج با پرداخت باقیمانده عمر زن

میسر می‌گردد، امکانی دشوار اما شیرین که هیچگاه برای دانشور فراهم نیامد.

ستم‌ها و رفتارهای ناهنجار مردان

از دیرباز تاکنون انسان‌ها با توجه به نگرش حاکم بر جامعه دارای حقوق و تکالیفی بوده‌اند که پذیرش و اعمال آن از سوی افراد و حاکمان، اسباب سهولت زندگی فردی و اجتماعی را فراهم می‌سازد و عدم تحقق تکالیف و عدم استرداد حقوق ستم تلقی می‌شود. معمولاً اساس تعیین حقوق و تکالیف، سرشت، توانایی، مصالح فردی و اجتماعی است در غیر این صورت قابل تحقق نیستند و هر نوع اقدامی برای اجرای آنها ستم محسوب می‌شود.

ات وود در سرگذشت ندیمه دو عرصه از ستم بر زنان را به نمایش گذاشته است. یکی از سوی حاکمان جامعه جلید و دیگری از ناحیه زنان این سرزمین. حاکمان جلید پس از محروم نمودن زنان از حقوقی که در نظام قبلی داشتند، تعریف و نگاه جدیدی ارائه می‌نمایند. ضرورت‌های جامعه تغییر کرده لذا زنان کارکردشان دگرگون شده است.

برای جلب رضایت زنان به پذیرش شرایط کنونی، پیوسته ستم‌های نظام سابق را به آنان یادآوری می‌کنند مشروب خوری زنان، قرار ملاقات‌های کورکورانه، آزار زنان، ناامنی اجتماعی، کتک خوردن آنها، کار طاقت فرسا خانه و بیرون و... (ر.ک: ات وود: ۱۳۸۲: ۳۲۸-۳۲۹) «آن سال‌ها به لحاظ تاریخی کاملاً ناهنجار و بی‌قاعده بود ما تنها کاری که کردیم همه چیز را به وضعیت طبیعی برگردانیم. حالا همه حمایت می‌شوند و همه در صلح و آرامش به تقدیر بیولوژیکشان جامه عمل می‌پوشانند.» (همان: ۳۳۰) اما حقیقت این است که در شرایط جدید حاکمان تصاویر پیروزی‌ها را به نمایش می‌گذارند نه شکست‌هایشان را. نگاه جنسیتی ستم به زن است محروم کردن او از علائق و میل‌های سرشتی، ستم است، طبقه بندی زنان، ارتباط‌های جنسی بدون عشق، محرومیت فرزندان از مادران اصلی، قربانی کردن زن برای تأمین مصالح جمعی ستم‌های بزرگتر محسوب می‌شوند. ات وود در سرگذشت ندیمه، شرایط ستمکارانه بر زنان را در جامعه کنونی غربی و جامعه تخیلی جلید نقد می‌کند. زنان در هردو عرصه احساس ناامنی می‌کنند و در جایگاه واقعی خود قرار ندارند.

ندیمه‌ها نمونه کارآمدترین زنان جهان‌اند، ارزش آنها به زایایشان است. نامشان را از فرمانده‌ها

می‌گیرند، آنها زاد و ولد می‌کنند مردان ارتقاء می‌یابند. حق تربیت فرزندان خود را ندارند. تکرار این فرآیند آنها را از چرخه تولید خارج می‌کند و به سرنوشت زنان نابارور دچار می‌شوند. زنان فرماندهان مجازند آنها را بزنند و سابقه این کار به کتاب مقدس باز می‌گردد و البته آنان مجاز نیستند از هر وسیله‌ای استفاده نمایند فقط با دست می‌توانند چنین کاری را انجام دهند. (ر.ک: ات وود، ۱۳۸۲: ۲۷) زنان داستان‌های دانشور از مردان کتک می‌خورند از اربابان و همسرانشان. (ر.ک: دانشور، ۱۳۹۰: ۹۲-۹۳) آن مردان به احکام شریعت که می‌گوید زنان را با چوب مسواک بزنند، پایبند نیستند. (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰۱: ۵۸) گروهی از مردان در جامعه جلید، به صورت نظامند ستم‌هایی را بر مردان و زنان دیگر روا می‌دارند و عوامل مختلف به تدریج پایه‌های این نظام را سست می‌نماید و روایت راوی در نوار مغناطیسی و یافتن آن دویست سال پس از ماجرا، خبر از فرو ریختن آن نظام می‌دهد.

در جامعه داستان‌های دانشور ستم بر زنان اشکال متفاوتی دارد و آنچه که ناشی از تفاوت جنسی است ستم تلقی نمی‌شود، چون درد زایمان عواقب و حوادث ناشی از آن. برخی از اشکال ستم‌های جنسی در داستان‌ها ریشه در تقسیم کار جنسی دارند مانند بچه‌داری که در فضای داستان‌ها وظیفه قطعی زن تلقی می‌شود و گاه به شکل دیوانه‌واری زنان را خسته می‌نماید. (ر.ک: دانشور، ۱۳۹۰: ۱۲۱ و ۱۳۰)

برخی محدودیت‌ها ریشه در تفکر دینی جامعه دارد و مردان سودجویانه از آن مبانی بدون توجه به حواشی آن بهره می‌برند. صیغه، ازدواج مجدد، کتک زدن زنان، ارث، حجاب، گواهی دادن زنان و... از جمله این مبانی است.

در میان زنان آثار دانشور، عشرت تنها زنی است که به همسرش خیانت می‌کند. کثیری از مردان این داستان‌ها یا اقدام به ازدواج‌های متعدد نموده‌اند یا همسر صیغه‌ای دارند. (حاج آقا پدر یوسف، پدر مراد، شیخ دامان، آقانور شوهر خواهر سلیم و...) تا آنجا که دانشور تنوع طلبی مردان را می‌پذیرد و راز همسر خود را هم بازگو می‌کند. (ر.ک: دانشور، ۱۳۸۰: ۲۲۰)

نویسنده به زیاده‌خواهی مردان اشاره می‌کند و می‌گوید: «روح قدیس‌ها (مردان) را اگر برهنه کنی، بیشترشان تنوع طلبند، اما توقع ندارند زن‌هایشان دست از پا خطا کنند.» (همان: ۲۲۰) البته در بحث ازدواج‌های متعدد و زنان صیغه‌ای، نویسنده از زبان مراد نقدی بر رفتار خود زنان دارد.

«خود شما مقصردید، شما زن‌ها اگر چه هیچ زنی، زن مرد زن دار نشود...» (همان: ۱۸۹)

ات وود، تنوع طلبی مردان در جامعه جلید را در تأسیس باشگاهی به نمایش می‌گذارد که وجودش مخالف قانون است اما در این باشگاه مردان با ملیت‌های مختلف حضور می‌یابند و زنان سرکش آنجا مشغول به کار هستند. به همین سبب آنجا را در سلیطه خانه می‌نامند. در علت تأسیس این باشگاه یکی از فرماندهان می‌گوید نمی‌توان طبیعت را فریب داد لازمه طبیعت تنوع است و برای مردان کاملاً منطقی است این بخشی از استراتژی وجود و ذات طبیعت است. (ر.ک: ات وود، ۱۳۸۲: ۳۵۸-۳۵۷) سلیطه خانه همان خیرخانه محله مردستان در سووشون و همان محله‌های زنان بدنام در جزیره سرگردانی است در سرگذشت ندیمه زنان به جهت برخورداری از آزادی و تنوع بیشتر و فرار از محدودیت‌های جلید به سلیطه خانه روی آورده‌اند. اما زنان محله مردستان، غالباً فقیر و تهیدست‌اند و فقدان حمایت مالی سبب حضور آنان در آن امکان است. (ر.ک: دانشور، ۱۳۹۰: ۱۶۴-۱۶۵) اگر سلیطه خانه ظاهراً دور از چشم حکومت فرماندهان ایجاد شده ولی خود آنجا رفت و آمد دارند. محله مردستان تحت نظارت زنان و مردانی است که با حکومت همکاری دارند و فقط نام و ظاهر این اماکن در آثار دانشور از محله مردستان به شهرنو و به صیغه خانه مبدل می‌گردد.

در روایت‌های دانشور برخی از ستم‌ها ریشه در عرف جامعه دارد چون ختنه کردن زنان که در گذشته رایج بود. شیخ دامان زن‌های عقدی و صیغه‌ای خود را ختنه می‌کرد (ر.ک: دانشور، ۱۳۸۰: ۱۱۸) این رسم در برخی مناطق جهان هنوز رواج دارد.

مقاومت برای رفع ستم

زنان در سرگذشت ندیمه به ضرورت‌های اجتماعی نظام جلیاد تن در داده‌اند، اما تفاوت شرایط حال و گذشته آنها از یک سو و تمایلات سرشتی آنان از سوی دیگر، احساس نیاز به تغییر و تحول را نه فقط در زنان که در مردان هم برمی‌انگیزد. ارتباط خانواده با جامعه در حکومت جلیاد به یک درهم تنیدگی دچار است. ضرورت‌های اجتماعی و مصالح ملی به خصوصی ترین روابط انسان‌ها راه پیدا کرده و به همان اندازه انتخاب‌های فردی محدود شده‌اند. نظام ایدئولوژیک جلیاد مرز حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی را مشوش ساخته و این شرایط اسباب مقاومت در زنان و مردان این سرزمین را فراهم آورده است. تجارب ساکنین

جلیاد از گذشته نه چندان دور رنگ نباخته است. محرومیت‌های تحمیلی شرایط جدید قابل تحمل نیست. تمایل‌های سرشتی زنانه و مردانه غیرقابل انکارند لذا مقاومت همه جانبه اجتماعی و تشکیلاتی در شرایطی بسیار دشوار شکل می‌گیرد و هیچ کس چنان نیست که می‌نماید، مقاومت از درون افراد آغاز می‌شود، نشانه‌هایی در دیگران می‌یابد و غالب افراد در سکوت به شبکه‌های مقاومت می‌پیوندند و کواکر بودن به شبکه نقبا پیوستن، نشانه اراده زنان و مردانی است که قصد تغییر شرایط را دارند.

راوی داستان، جایگاه خود و شرایطش را به خوبی درک می‌کند «فکر کردن باید مثل چیزهای دیگر سهمیه بندی شود. خیلی از مسائل ارزش فکر کردن ندارند، فکر کردن فرصت‌های آدم‌ها را از بین می‌برد و من می‌خواهم دوام بیاورم. می‌دانم چرا پنجره‌ها تا نیمه باز می‌شود و چرا شیشه نشکن است. نگرانی‌شان از بابت فرار ما نیست، نمی‌توانیم زیاد دور شویم. نگران اوج گرفتن خیال هستند. نگران راه‌هایی که فقط در درون آدم باز می‌شوند و به انسان روحیه و برتری می‌دهند.» (ات وود، ۱۳۸۲: ۱۴) آگاهی فردی و اجتماعی، وجود تشکیلات منظم برای مقاومت در مقابل نظام ایدئولوژیک از ویژگی‌های مبارزه در جامعه جلیاد است. اما شخصیت‌های آثار دانشور در فضای غمناکی، ستم حاکم بر سرنوشتشان را بازتاب می‌دهند. دشواری‌های آنان فقط از ناحیه نظام حاکم نیست که بتوان با متشکل شدن با آن به مبارزه برخاست، البته وجود گروه‌های متشکل برای احقاق حقوق زنان نیازمند آگاهی و روحیه مبارزه‌جویی است که زنان آثار دانشور غالباً فاقد آن هستند.

«در طول تاریخ، زن ایرانی به دلیل موقعیت خانوادگی و اجتماعی زندگی اندوهباری داشته و حقارت‌های بسیار دیده است. نویسنده‌ای که می‌خواهد سرنوشت هم‌دردان خود را توصیف کند، چگونه می‌تواند این واقعیت را نادیده بگیرد و در آثارش فضایی روشن و شادبخش ارائه نماید.» (گویری و رهنما، ۱۳۸۲: ۱۹) در بستر اجتماعی سووشون احزاب و اصناف حضور دارند در جزیره سرگردانی و ساریبان سرگردان هم گروه‌های سیاسی. فعال هستند اما مشکلات چنان فراگیر و گسترده است که هیچگاه زنان موضوع بحث و گفتگو قرار نمی‌گیرند. مردان از هر گروه و دسته‌ای باشند براساس خصلت‌های فرهنگی‌شان در قضاوت نسبت به امور زنان یک گونه می‌اندیشند. زنان جهت رفع ستم در اینگونه جوامع باید به صورت فردی و از

درون خانواده مقاومت را آغاز کنند.

مردی در سووشون زنی را به مقاومت ترغیب می‌نماید. او را به جهت روحیاتش سرزنش می‌کند و می‌گوید: «خفقان بگیر در غیابم فقط یک مترسک سرخرمنی» (دانشور، ۱۳۹۰: ۱۱۸) یا پسری به مادرش می‌گوید: «زن‌ها ترسو و دروغگویند» (همان: ۱۲۲) و «اگر این زن‌ها نبودند پسرها چه زود می‌توانستند مرد بشوند. زن‌ها می‌ترسند و ما مردها را هم می‌ترسانند.» (همان: ۱۲۹) این مردان غافلند، در جامعه‌ای که سکوت، افتادگی و عدم مقاومت نشانه نجابت تلقی می‌شود. نمی‌توان از یک زن خواست تا شجاع باشد، نرم نباشد زیرا در آن صورت همه او را خم می‌کنند. این توقع نامعقول است. زری چون زنان جامعه جلید مصالح خانواده را همچون ضرورت اجتماعی آنان درک می‌کند. این مصالح او را به سکوت وا می‌دارد و اگر قرار باشد با او مقاومت را بیاموزد، باید مقابله را از مردان خانه خود آغاز نماید. اگر من بخواهم ایستادگی کنم، اول از همه باید جلوتر بایستم... تو شجاعت مرا از من گرفته‌ای... آنقدر با تو مدارا کرده‌ام که دیگر مدارا عادت‌م شده.» (همان: ۱۲۹) ستم سیستماتیک جامعه جلید به مقاومتی سیستماتیک منجر می‌شود که اغلب زنان و مردان را در بر می‌گیرد. اما ستم نهان جامعه داستان‌های دانشور ستمی فرهنگی است که در طول سالیان دراز استقرار یافته و حاصل ملغمه‌ای فرهنگی است که ریشه در تاریخ، ایدئولوژی و فرهنگ جامعه دارد و زنانی که در این فرهنگ تربیت می‌شوند. همان فرهنگ را باز تولید می‌کنند.

نتیجه‌گیری

مقارن با تغییرات ژرف اجتماعی در جوامع، تصاویر جدیدی از زن ارائه می‌شود که به خودی خود موجب تعارض‌ها و تناقض‌های دیگری است که به تقابل فرهنگی می‌انجامد. رویارویی فرهنگ سلسله مراتبی از زن که در همه دنیا رو به افول است با فرهنگ مدرن، شکاک و فرد محوری که به سرعت در حال تغییر همه ارکان جامعه است. حاصل این تقابل‌ها چیزنی نیست جز فرو ریختن جهان ذهنی آحاد جامعه، عدم درکی استوار از واقعیت‌های جدید و عدم اعتماد نسبت به آنچه پیش رو است. جوامع‌گریزی جز عبور از این مرحله ندارند و برای دستیابی به تعادل، ناچار از پشت سر گذاشتن این دوره هستند. تفاوت و تشابه جوامع انت و وود و دانشور مشمول همین قاعده است البته با شاخصه‌های زیر:

- ۱- اگرچه برداشت ات وود و دانشور از جایگاه زنان مبتنی بر ساختارهای فکری و فرهنگی جوامعی است که به آن تعلق دارند اما اشتراک های فراوان مصداقی و تفاوت های اساسی نظری در میان آنها وجود دارد.
- ۲- طرح مسائل انسانی از جمله حقوق زنان در آثار ات وود به صورت مسئله‌ای جهانی و در آثار دانشور به عنوان موضوعی ملی دیده می‌شود.
- ۳- نقض حقوق زنان در آثار ات وود نظام مند و رفع ستم از زنان هم به صورت تشکیلاتی میسر می‌گردد.
- ۴- عدم رعایت حقوق زنان در آثار دانشور نتیجه عوامل پیچیده و تنوع فکری، فرهنگی و عرفی است که اصلاح آن نیازمند توسعه تربیت فردی در خانواده و نهادهای مذهبی است.
- ۵- ات وود و دانشور به نوعی از برابری خواهی اعتقاد دارند که رعایت حقوق زنان و مردان را توأم آن خواهان است.
- ۶- آثار این دو نویسنده اگرچه به صورت کامل در اصول بر هم منطبق نیستند اما در آثار خود به اساسی ترین موضوع‌های مربوط به زنان پرداخته‌اند.
- ۷- ات وود و دانشور در آثارشان به نقد جوامع اکنون و گذشته‌ی داستان‌هایشان می‌پردازند و در آرمان شهر آنان انسانی بودن حقوق بیش از مردانه و زنانه بودنش مهم تلقی می‌گردد.
- ۸- برابری خواهی دانشور رنگ ایرانی و شرقی دارد و تحت تأثیر فرهنگ ایرانی و دین و عرف مورد قبول جامعه است.

۱۹. پاینده، حسین، (۱۳۸۱)، سیمین دانشور: شهرزادی پسامدرن، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۶، صص ۷۲-۸۱.
۲۰. جویس، کارول اوتس، (۱۳۸۵)، قصه مارگارت ات وود، ترجمه نگار ستوده، نشریه هفت، دی ماه شماره ۳۳، صص ۳۶-۴۱.
۲۱. دانشور، سیمین، (۱۳۸۰)، مصاحبه با روزنامه حیات نو، سیزدهم اردیبهشت، ص ۴.
۲۲. صاحبی، نرگس (۱۳۸۹)، تاریخ نگاری فمینیستی آغاز عصر مدرنیته (لورا، چاندلر)، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، سال پنجم، ص ۲۳.
۲۳. طوسی، اسدالله (۱۳۷۸)، اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی، فصلنامه معرفت، شماره ۳۲، صص ۴۶-۴۷.
۲۴. عظیمی دخت، سیدحسین (۱۳۸۲)، زن در مسیحیت (رزماری رادفور رویترا)، مجله هفت آسمان، شماره ۱۸، صص ۱۷۸-۱۸۱، ۱۹۶.
۲۵. موسوی، معصومه، (۱۳۷۴)، تاریخچه مختصر تکوین نظریه‌های فمینیستی، کتاب توسعه، شماره ۹، نشر توسعه، چاپ اول، ص ۱۱۴.
۲۶. هاشمی نسب، پیمان و پدرام (۱۳۸۰)، یک زندگی مهیج برای یک نویسنده کانادایی (ماگارت ات وود)، گلستانه، خرداد و تیر شماره ۲۹، صص ۶-۷.

Analysis of the status of women by relying on two tales of Nadime and Swashoun

Dr. Fatemeh Mohseni¹

Abstract

Literary works are one of the tools for understanding the status and role of women in society. Through literary works, it is possible to understand the social conditions and circumstances beyond the formal reading of each period. Especially if these works belong to two different societies with different perspectives and cultures. The present study focuses on the study of two works of Margaret Atwood's and Nedous's literary works, Simon Daneshvar, in order to present the differences and similarities of both writers as representatives of the culture of the West and the East while presenting the position and role of women in both works. Concerning the rights, duties and problems of women, both authors share common ground, but there are significant differences in factors such as the lack of respect for women's rights and the role of intellectual and cultural structures in the performance of their duties and in the pursuit of women's rights, as the broader and more general view of Western society in Contrary to the narrower and more traditional orientation of the Eastern community to the woman. The author of this article, while recounting the works of Neda and Soushoun, is trying to find out the distinctions and causes of this work in a descriptive-comparative (library) way.

Keyword: Daneshvar, T. Wood, Nadime, Swashoun, Woman

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹.Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin, Iran.